آینه

دنیای اقتصاد

درباره سرمقاله «دنیای اقتصاد»

● **سعید نمکی:** ... از همان روزی که در اواخر دی‌ماه در چین مورد بیماری اعلام شد، اینجانب تقاضای تشکیل جلسه اورژانسی و در روز تعطیل با حضور معاون‌اول محترم رئیس‌جمهور کردم تا پروازهای مستقیم از چین به کشورمان و بالعکس قطع شود و بلافاصله پس از تشخیص اولین موارد آلودگی در کشور پیشنهاد تشدید محدودیت‌ها همچون تعطیلی دانشگاه‌ها، مدارس، اجتماعات، نمازهای جمعه، مراسم عروسی و عزا، اعتکاف، راهیان نور، آستان‌های مقدس، سینماها، تئاترها، ورزشگاه‌ها و... پیگیری و اگرچه به سختی ولی با همراهی و همدلی به اجرا درآمد. پیرو آن فاز بعدی فاصله‌گذاری اجتماعی (Social Distancing) در قالب محدودیت ترددها به مدت دو هفته مصوب شد که به جزئیات آن واقفید...

کیهان

شعار شفافیت بودجه و طفره از حسابرسی

● ... درحالی‌که رئیس‌جمهور بشدت از عدم ارائه گزارش به دولت پیش از قرائت در مجلس گلایه کرد که خبر موثقی که به کیهان رسیده حکایت دارد برخلاف این ادعا، دیوان محاسبات طی چندین نوبت گزارش را در اختیار دولت و حتی شخص رئیس‌جمهور قرار داده بوده است، اما پاسخ و واکنشی دریافت نکرده است. شش‌ماه قبل از آماده و نهایی‌شدن گزارش، متن اولیه تحت عنوان «واخواهی» همراه با اسناد و مدارک از سوی دیوان به دولت فرستاده شد تا اگر ملاحظات یا ایراد و اشکالی به آن دارند پاسخ دهند که پاسخی داده نشد. همچنین بیست روز مانده به نهایی‌شدن گزارش هم، مجدداً متن برای رئیس‌جمهور ارسال شد که باز هم پاسخی به دیوان محاسبات ارائه نشد. اوایل اسفندماه پارسال نیز گزارش نهایی با تفصیل و به صورت خصوصی برای شخص رئیس‌جمهور ارسال می‌شود که نهایتاً آقای روحانی هم چند روز بعد به آقای همتی دستور پیگیری اکید داده و تاکید می‌کند که تا آخرین سِنت آن را باید به خزانه برگردانید...

اعتماد

سخنی با عباسعلی کدخدایی

● **علی مطهری:** واکنش‌های آقای کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان نسبت به مسائل مربوط به انتخابات گذشته از حد متعارف خارج شده است. می‌توان گفت نسبت به این موضوع آلرژی و حساسیت پیدا کرده است به‌طوری‌که با کمترین بهانه‌ای وارد این گود می‌شود و از خود دفاع می‌کند و بدون آنکه کسی از او سوال کند بر درستی ردصلاحیت‌ها اصرار می‌ورزد. به نظر می‌رسد که او به‌خاطر ردصلاحیت‌های بی‌حساب دچار عذاب وجدان شده و دنبال آرام‌کردن وجدان خویش است. اگر چنین باشد، امر مبارکی است و نشانه آن است که هنوز وجدان و فطرت انسانی در ایشان زنده است. حساسیتی که ایشان نسبت به مطرح‌شدن طرح دوفوریتی اصلاح قانون انتخابات در مجلس از خود نشان داده و حرف‌های بی‌اساس زده است، قابل‌تامل است ضمن اینکه با جایگاه ایشان یعنی عضویت و سخنگویی شورای نگهبان نیز تناسب ندارد. اولا با لحن تمسخرآمیز با مجلس سخن گفته است. سخن از تعطیلات کرونایی و غیرکرونایی مجلس به میان آورده است، کنایه از اینکه بخشی از تعطیلات مجلس ناشی از عکس‌العمل او در مقابل ردصلاحیت‌ها بوده حال آنکه این تعطیلات به دنبال دستور وزارت بهداشت بوده است و این روزها هم که جلسات آن تشکیل می‌شود به نظر من کار درستی نیست و بیشتر از ترس رسانه‌هاست... آنچه درمجموع از سخنان آقای کدخدایی فهمیده می‌شود همان است که ایشان از ردصلاحیت‌های گسترده و بعضا بی‌حساب و احیانا سیاسی و دستوری که موجب کاهش مشارکت مردم شد، دچار عذاب وجدان شده و اکنون ناخودآگاه وارد هر میدانی مرتبط با انتخابات می‌شود تا خود را بی‌تقصیر جلوه دهد و وجدانش را آرام کند. البته این یک نقطه مثبت است چراکه نشان می‌دهد هنوز وجدان و فطرت انسانی در او زنده است و زنگارهای ناشی از ظلم‌هایی که به نامزدها شده، قلب او را به طور کامل سیاه نکرده است.

توضیح دادستانی تهران درباره گزارش دیوان محاسبات

سرنوشت دلارهای گم‌شده چه شد؟

ادامه از صفحه اول

همه بخش‌ها پاسخ لازم به این گزارش را ارائه کنند

با انتشار این گزارش و ادعای مطرح‌شده در آن، روحانی ناراحت از آنچه بی‌اطلاعی محض نامید، با تکذیب محتوای گزارش، تاکید کرد: «از دوستان خواهش می‌کنم بیانشان به‌گونه‌ای نباشد که مردم را دچار شبهه کند؛ من بخشی از گزارش را که راجع به ارز بود شنیدم؛ آن بخش که من شنیدم صد درصد غلط بود؛ کاملا بی‌اطلاعی محض از مقررات و قوانین کشور مشاهده می‌شود و برای ما خیلی بد است که یک دستگاه نظارتی حرفی بزند و از قوانین و مقررات کشور آگاه نباشد. از همه بخش‌ها می‌خواهم پاسخ لازم به این گزارش را ارائه کنند».

دلاری گم نشده است

درخواست روحانی برای پاسخ همه بخش‌ها به این گزارش با توضیحات رئیس بانک مرکزی همراه شد. عبدالناصر همتی با تکذیب ادعاهای مطرح‌شده در گزارش دیوان محاسبات با تاکید بر اینکه دلاری گم نشده است، توضیح داد: تعهدات انجام‌نشده به قوه قضائیه گزارش شده که برخی به مرحله مجازات کیفری رسیده و قوه قضائیه هم دارد پیگیری می‌کند و افراد و عاملانشان در زندان هستند؛ پس این‌گونه نیست که ۴.۸ میلیارد دلار گم شده است».

رد ادعاهای دیوان محاسبات توسط دادستانی تهران

ظهر روز گذشته دادستانی تهران به گزارش دیوان محاسبات واکنش نشان داده و درباره تخلفات انجام‌شده در تأمین ارز به نرخ دولتی برای واردات کالاهای اساسی و غیراساسی در سال ۱۳۹۷ ادعاهای دیوان محاسبات را رد کرده است. در این گزارش آمده است: اولا: گزارش دیوان محاسبات کل کشور به‌محض وصول توسط ریاست محترم قوه قضائیه به دادستانی عمومی و انقلاب تهران ارجاع و دستور بررسی و انجام تحقیقات با دقت و سرعت لازم صادر و پیرو سوابق قبلی از سوی دادستان عمومی تهران نیز موضوع به شعبه بازپرسی ویژه ارجاع و تحقیقات در این زمینه آغاز شده است.

ثانیا: اعلام می‌دارد درحالی‌که گزارش دیوان محاسبات کل کشور در روزهای اخیر منتشر شده است، ولی مطابق سوابق و پرونده‌های موجود دادستانی تهران از اواخر سال ۱۳۹۷ و به‌ویژه پیگیری‌های ویژه در سال ۱۳۹۸ امر نظارت و پیگیری نسبت به نحوه تخصیص ارز دولتی را با همکاری ضابطان و سازمان‌های نظارتی از جمله سازمان بازرسی کل کشور در دستور کار قرار داده و درباره انحرافات و فسادهای رخ‌داده در این زمینه، پرونده‌های متعدد قضائی تشکیل شده که برخی از این پرونده‌ها با صدور کیفرخواست و ارسال به دادگاه منتهی به صدور حکم قطعی گردیده و برخی دیگر همچنان در حال رسیدگی و انجام تحقیق می‌باشد که صدور احکام قاطع محکومیت بعضا تا ۲۰ سال حبس و نیز استرداد اموال و وجوه تحصیل‌شده از محل این ارزها نتیجه این رسیدگی‌های قضائی می‌باشد که مصداقا خلاصه برخی از آرای قطعی صادرشده نیز اعلام می‌گردد.

ثالثا: در گزارش دیوان محاسبات اعلام شده است که ۸/۱۷۱/۶۴۰/۹۷۰ دلار بابت کالاهای غیراساسی تخصیص یافته است، اعلام می‌دارد که حسب بررسی سوابق و مصوبات دولت، پس از تصویب مصوبه ۱۳۹۷/۰۱/۲۲ تا تصویب مصوبه ۱۳۹۷/۰۵/۱۶ برای واردات کلیه کالاها، صرفا یک ارز با نرخ چهارهزارو ۲۰۰ تومان وجود داشته و تا تاریخ ۱۳۹۷/۰۵/۱۶ هیچ‌گونه تفکیکی بین کالاهای اساسی و غیراساسی نبوده است که ضمن وارددانستن اشکالات و ایرادات اساسی به مصوبه ۱۳۹۷/۰۱/۲۲ دولت که از سوی کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی هم بارها مطرح گردیده است، اعلام می‌دارد آنچه که دراین‌باره از سوی بانک مرکزی اختصاص یافته، مطابق با مصوبه ۱۳۹۷/۰۱/۲۲ بوده که با این وجود دستورات قضائی لازم جهت بررسی دقیق‌تر موضوع به مراجع ذی‌ربط صادر گردیده است.

فاطمه هاشمی، میزان

رابعا: یکی دیگر از موضوعات مطرح‌شده در گزارش دیوان محاسبات عدم وصول مبلغ در حدود ۱۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان وجه بابت مابه‌التفاوت ارز دولتی تخصیص‌یافته به کالاهای غیراساسی تا تاریخ ۱۳۹۷/۰۵/۱۶ می‌باشد که طبق مصوبه هیئت دولت، بانک مرکزی مکلف بوده است که این مابه‌التفاوت را ظرف مهلت شش ماه از بانک‌های عامل وصول نماید که در این رابطه از سوی این دادستانی و شعبه بازپرسی دستورات لازم به بانک مرکزی و بانک‌های عامل صادر گردیده و پیگیری‌ها ادامه دارد.

خامسا: یکی دیگر از موضوعات مطرح‌شده در گزارش دیوان محاسبات موضوع عدم ورود کالا در قبال تخصیص ۴/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار به اشخاص است که در این خصوص همان‌گونه که فوقا اعلام گردید، از همان ابتدا این موضوع در دستور کار بوده و فهرست شرکت‌های دریافت‌کننده ارز مطالبه و فرایند فعالیت‌های تجاری آنها مورد بررسی قرار گرفته که مواردی واردات کالاها انجام و رفع تعهدات ارزی صورت پذیرفته و نسبت به باقی‌مانده یا واردات در حال انجام بوده که به اقتضای کالاهای سفارش‌داده‌شده و یا شرایط تحریم، امر واردات با مشکلات و موانع و تاخیر مواجه است و یا متأسفانه اشخاص دریافت‌کننده مرتکب تخلف و جرم شده‌اند و ارز دریافتی را در بازار آزاد فروخته و کالایی را وارد کشور نکرده‌اند که این اشخاص شناسایی، تعقیب قضائی آنها انجام شده و در حال رسیدگی می‌باشد.

در پایان قابل ذکر است که گزارش ارسالی از دیوان محاسبات کل کشور، مجموعه تحقیقات آن مرجع تا تاریخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۲ را شامل می‌شود که گزارش مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۰۵ رئیس کل بانک مرکزی و تحقیقات انجام‌شده در دادسرا، حکایت از تکمیل گزارش و رفع برخی از مغایرت‌ها دارد.

سرنوشت متهمان مرتبط با گزارش دیوان محاسبات

۱- «خلاصه گزارش رأی قطعی محکومیت قربانعلی فرخ‌زاده» به موجب دادنامه شماره خلاصه ۹۷۰۹۹۷۷۲۰۷۱۰۰۰۶۰ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۲ صادره از شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی تهران آقای قربانعلی فرخ‌زاد فرزند موسی به اتهام اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز به‌صورت شبکه‌ای و سازمان‌یافته در حد کلان (دریافت ارز دولتی از بانک مرکزی بابت انجام واردات ورق‌های استیل به میزان معادل ۴۴۶ میلیون دلار) به تحمل ۲۰ سال حبس و نیز ضبط کلیه ارزهای دریافتی محکوم گردیده است و پرونده هم‌اکنون در شعبه سوم اجرای احکام دادسرای ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی در مرحله اجرای حکم می‌باشد.

۲- «خلاصه گزارش رأی قطعی محکومیت آقایان مهدی و محمد خرمی‌پور، تیمور عامری‌برکی و علیرضا عامری‌برکی و...»: به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۷۸۰۷۱۰۰۰۵۶ مورخ ۹۸/۱۲/۰۴ صادره از شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی تهران، آقایان مذکور به اتهام اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز به‌صورت شبکه‌ای و سازمان‌یافته در حد کلان دریافت ارز دولتی از بانک مرکزی بابت انجام واردات روغن به میزان ۱۵۰ میلیون دلار به تحمل ۲۰ سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق و ضبط ارزهای اخذشده به نفع دولت محکوم گردیده‌اند که پرونده هم‌اکنون در شعبه سوم اجرای احکام دادسرای ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی در مرحله اجرای احکام می‌باشد.

۳- «خلاصه گزارش رأی قطعی محکومیت آقایان مرتضی فلاح‌اشتری و حمیدرضا مرادی و...» به موجب دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۸۲۱۳۳۰۰۰۰۵۷ تاریخ ۹۷/۱۱/۲۳ صادره از شعبه اول ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی، آقایان مذکور و دیگران به اتهام مشارکت در اخلال در نظام ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز به‌صورت شبکه‌ای و سازمان‌یافته درصد کلان (و دریافت ارز دولتی از بانک مرکزی) بابت انجام واردات کالا به میزان ۱۱ میلیون دلار به تحمل ۲۰ سال حبس تعزیری، شلاق و جزای نقدی محکوم گردیده و پرونده هم‌اکنون در اجرای احکام دادسرای کارکنان دولت در مرحله اجرا می‌باشد.

۴- «خلاصه گزارش رأی قطعی محکومیت مهرداد صفوی و...»؛ به موجب دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۸۲۱۳۳۰۰۰۱۰۶ تاریخ ۹۸/۱۱/۲۹ شعبه دوم ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی نامبرده و سایرین به اتهام مشارکت در اخلال در نظام ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز به‌صورت شبکه‌ای درصد کلان بابت انجام واردات کالا به میزان ۴۸ میلیون دلار به تحمل ۱۲ سال حبس و جزای نقدی محکوم و پرونده در اجرای احکام دادسرای کارکنان دولت در مرحله اجرا می‌باشد.

۵-«خلاصه گزارش رأی قطعی محکومیت آقایان علی زرنانی، یوسف جنت‌مکان و...»: به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۷۸۰۷۴۰۰۰۳۶ مورخ ۹۸/۱۰/۲ شعبه ۴ ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی نامبردگان و سایرین به اتهام مشارکت در اخلال در نظام ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز به‌صورت باندی در حد کلان بابت انجام واردات کالا به میزان ۱۰ میلیون دلار به تحمل ۱۵ سال حبس، شلاق و ضبط اموال محکوم و پرونده در اجرای احکام کارکنان دولت در مرحله اجرا می‌باشد.

نیروهای سیاسی جدیدی ظهور می‌کند

ادامه از صفحه ۳

در انتخابات‌های گذشته وقتی بخشی از نیروهای سیاسی رد صلاحیت می‌شدند، معمولا کنشگران سیاسی و حتی مردم نسبت به آن واکنش نشان می‌دادند، اما در انتخابات این دوره مجلس این موضوع رخ نداد. آیا دل‌زدگی سیاسی می‌تواند به عادی‌شدن محدودیت‌های سیاسی منجر شود؟

شاید دل‌زدگی نباشد، واکنشی اعتراضی و قهری آگاهانه است، قهر از اینکه چرا بالایی‌ها به فکرشان نیستند و آنها در مهم‌ترین رخدادها مانند گران‌کردن بنزین، سرنگونی هواپیما و شیوع بیماری کرونا غریبه تلقی شده‌اند؟ چرا با تصمیم‌های غافلگیرانه دولتی که باید منافع مردم را تأمین کند، دائم در شرایط عدم اطمینان و عدم قطعیت قرار داده شده‌اند؟ برای مثال درحالی‌که انتخابات اسفند گذشته فرصت و موقعیت مناسبی برای دولت فراهم کرد تا دست به بسیج ملی بزند و با برگرداندن جامعه به سیاست و با برگزاری انتخابات رقابتی طرح آشتی ملی را پیش ببرد؛ اما دریغ از کوچک‌ترین ابتکار و خلاقیت. برنامه حداقلی اصلاح‌طلبان تا قبل از انتخابات اسفند مبتنی بود بر تلاش برای افزایش کارآمدسازی نهادهای انتخاباتی، بالابردن ظرفیت رفرم و مشارکت سیاسی همه شهروندان و اقشار، افزایش قدرت بسیج منابع مادی و معنوی برای افزایش توان پاسخ‌گویی به نیازهای سیاسی؛ اما محافظه‌کاران با اعتمادبه‌نفس کاذب و در اشتیاق قبضه‌کردن تمامی ارکان قدرت با مشارکت حداقلی و با استفاده از غفلت دولت، این فرصت تاریخی را از دست کشور ربودند. آنها در گفتمان رسمی خود با ترکیبی نوظهور به نام جوانان مؤمن و این ادعا که اینان مریدان راستین انقلاب هستند و قرار است عهده‌دار مدیریت دولت، پارلمان و عرصه سیاست شوند، هرگونه امکان بهبودخواهی اصلاح‌طلبانه را نفی و طرد کردند. درحالی‌که با توجه به وخامت اوضاع اقتصادی، فشار حداکثری آمریکا، تحریم‌ها و انزوای سیاسی، کشور نیازمند حضور پارلمانی مجلسی با پشتوانه ملی و اتخاذ تصمیم‌های حیاتی و قاطع است.

اکنون که کشور درگیر بحران کرونا شده است، عرصه سیاسی از چند سو در معرض تحدید و شاید تهدید قرار گرفته است؛ از یک‌سو مردم با در نظرداشتن عقبه مشکلات موجود تمایلی به مشارکت سیاسی ندارند و از سوی دیگر، دلیل کرونا می‌تواند تا مدت‌ها مانع هرگونه بحث سیاسی شود، تا حدی که اکنون که من خبرنگار با فعالان سیاسی تماس می‌گیرم هیچ‌یک تمایل ندارند جز در بحث کرونا اظهار نظر کنند. این حالت تعلیق چه بر سر خاستگاه توسعه سیاسی می‌آورد؟

درست است که در ساختار سیاسی ایران همه مشکلات اجتماعی و فرهنگی کشور به‌سرعت سیاسی می‌شود اما گاه مانند شیوع ویروس کرونا ابعاد بحران به‌قدری خطرناک است که مشارکت سیاسی باید ذیل امر یاری‌رسانی به مبتلایان، کمک به کادر درمانی آسیب‌دیده و در معرض خطر و حل معضل عاجل اقتصادی اقشار محروم، قرار گیرد. دولتی که از حمایت نسبی اصلاح‌طلبان و طبقات میانی برخوردار شده بود، بخش زیادی از سوخت خود را در منازعه با قدرت‌های موازی قبل از شیوع کرونا از دست داد. برگزاری یک انتخابات کم‌رمق در ایام حساس کرونایی، پس‌وپیش‌کردن‌های بی‌موقع رئیس دولت در مهار کرونا به سلب اعتماد گسترده از دولت و لجبازی بخش‌هایی از جامعه انجامید. دولت به‌رغم اعلام وضعیت اضطراری در کنترل بحران کرونا نتوانست آنارشی موجود در ذات نیروهای خودسر و افراطیون را فرو بنشاند اما درعوض توانست بخش‌هایی از کارکردهای جامعه مدنی مانند اجتماعات اعتراضی صنفی و سیاسی و فعالیت نهادهای مدنی را به‌حالت تعلیق درآورده حتی متوقف کند. چیزی که در اصل موجب تعلیق مشارکت و عدم تمایل مردم به همکاری می‌شود نحوه رویارویی و پاسخ‌گویی به بحران است نه وجود خود بحران. یأس و سرخوردگی مردم بیش از هر چیز مشروط است به پاسخ به این پرسش مقدر که آیا سیستم با این ماهیت و ساختار اجازه و امکان بازنگری اشتباهات و اصلاح خود را می‌دهد؟ یا نه، آیا جایی و راهی برای سیاست مبتنی بر اصلاحات مسالمت‌جویانه باقی می‌ماند؟ قهر و خشونت را که اصلاح‌طلبان از جمله موانع اصلی توسعه سیاسی می‌دانند و به راهبرد ترجیح منافع ملی بر منافع حزبی پایبندند.

خواه‌ناخواه زمان می‌گذرد و انتخابات ریاست‌جمهوری فرامی‌رسد و بر اساس قانون، آقای روحانی باید جایش را به منتخب بعدی دهد. اگر قرار باشد بحران کرونا به شکل فعلی ادامه یابد و اصلاح‌طلبان نیز همه‌چیز را به بعد از کرونا موکول کنند، سرنوشت انتخابات ۱۴۰۰ چه خواهد شد؟ به‌عنوان بحث پایانی آیا بازهم شاهد تصمیم دقیقه‌نودی اصلاح‌طلبان یا تن‌دادن به سیاست‌هایی مانند ائتلاف باشیم؟

پیش‌بینی رخدادهای پیش‌رو سخت و پیچیده است، توفان خواهد گذشت، بیشتر ما زنده خواهیم ماند اما در دنیایی متفاوت. سنت‌گراهای محافظه‌کار سعی دارند با نگاهی توطئه‌اندیش و افسانه‌پرداز، آب رفته را به جوی برگردانند. آنها می‌خواهند به یک سیستم کنترلی و گزینشی، حقانیت ببخشند. برنامه اصلاح‌طلبان اما برای انتخابات ۱۴۰۰ اساسا نمی‌تواند بی‌ارتباط با افسون‌زدایی از سیاست و ائتلاف با بخش‌هایی از جامعه باشد که به عقلانی‌کردن سیاست و توزیع و تداول قدرت پایبندند. بسیاری جوانان و دانشجویان از من سؤال می‌کنند تا کی باید برای کسب نتیجه ملموس از یک جنبش اصلاح‌طلبانه باید صبر کرد؟ برای اصلاح تا ابد که نمی‌شود منتظر ماند. بالاخره ۱۰ سال، ۲۰ سال یا ۳۰ سال؛ نکند این همه سرمایه و انرژی در نهایت به کیسه محافظه‌کاران ریخته شود و به تحکیم و تثبیت مواضع آنان منجر شود؟ تجربه‌های شکست‌خورده در این راستا را تا چه اندازه باید تکرار کرد و آزمود؟ به آنها دلگرمی می‌دهم که اگر ارزش‌ها و جایگاه برخی از نیروهای سابق سیاسی رو به افول و زوال گذاشته ولی نیروهای سیاسی جدیدی ظهور می‌کند و با گسترش جابه‌جایی در نیروهای سیاسی جامعه، توازن قدرت تغییر خواهد کرد، در نتیجه آرایش و صف‌بندی‌های جدید، شکل خواهند گرفت. تجربیات و درس‌آموزی از بحران کرونا اولویت‌های جدیدی را به جامعه دیکته خواهد کرد. آنگاه بر پایه تجربه‌های تاریخی می‌توان مجددا اصلاح‌پذیری یا اصلاح‌ناپذیری را ارزیابی کرد. سطح مطالبات عمومی به‌زودی کیفیت متفاوت و جدید می‌یابد. اکتفاکردن به اصلاحات موردی و سطحی کنار گذاشته می‌شود. اصلاح‌طلبان ناچارند خواسته‌ها و مطالبات جدید را شناسایی و نمایندگی کنند. اصلاحات باید جهت‌گیری، درجه و کیفیت متفاوتی پیدا کند. اصلاحاتِ از پایین یا اصلاحاتِ مردم‌بنیاد و فراگیر و بنیادی باید جای اصلاحات از بالا، آمرانه و نمایشی را بگیرد. فشار حداکثری محافظه‌کاران بر فضای سیاسی به‌خصوص بالابردن هزینه سیاسی بعد از حوادث آبان‌ماه سال گذشته باعث شده است احزاب سیاسی اصلاح‌طلب بی‌هیچ صدایی در واکنش به حوادث اخیر در لاک خود فرو بروند. واضح است تداوم ناکارآمدی و تداوم چرخه حذف و طرد و بلندشدن دیوار بی‌اعتمادی در گام نخست موجودیتی به‌نام ایران را هدف قرار خواهد داد و انتقام‌جویی جایگزین هم‌دلی و همبستگی ملی خواهد شد که نهایتا به امتناع و انسداد توسعه در کشور می‌انجامد. به‌هرحال، تا انتخابات ۱۴۰۰ اصلاح‌طلبان ناچار به بازسازی سرمایه سیاسی و اجتماعی از طریق جداکردن سهم و سفره‌شان از اصولگرایان و وضعیت موجودند و راهبرد کلان خود را بر مبنای اصلاحات از پایین و بیرون از قدرت طراحی کنند.

ادامه از صفحه ۵

کابوس رشد تاریخی

بورس‌بازها ماهر شده‌اند

یکی از صحبت‌هایی که همواره از سوی فعالان بورسی مطرح می‌شده، سازوکاری است که تاریخی در بورس ایران حاکم بوده؛ سهام‌ها با ارزش فزاینده‌ای عرضه می‌شود و سیل متقاضیان را به خود جذب می‌کند، بعد از دوره شش‌ماهه ناگهان همین سهام شروع به ریزش می‌کند و سهام‌داران وادار به فروش سهام خود برای جلوگیری از ضرر می‌شوند. در همین زمان هم هست که سهام‌داران به‌اصطلاح شبه‌دولتی وارد شده و با قیمتی ارزان سهام کف بازار را جمع می‌کنند و در تکرار همین رویه سهام‌داران کلان را شکل می‌دهند. بابایی دراین‌باره توضیح می‌دهد: بله این اتفاق تقریبا به سنت بورس تبدیل شده است؛ اما موضوع اینجاست که بورس‌بازان الان هم دیگر هوشمند و واکسینه شده‌اند و مهارت خاص خود را کسب کرده‌اند. در دوره‌های ریزش به‌شکل فوری به فروش سهامشان رو نمی‌آورند. دیگر از تحریم ایران، کرونا یا شهادت سردار سلیمانی که احتمال جنگ بعد از این اقدام آمریکا می‌رفت، وجود ندارد. حتی در این دوره سخت هم بورس آن‌طورکه پیش‌بینی می‌شد ریزش نداشت و مقطعی بود، چون بورس‌بازهای ما ماهر شده‌اند و هم جوان هستند و اهل جست‌وجو و هوشمند. دیگر بورسی‌ها حتی به سودهای کم هم قانع نیستند، به هفته‌ای ۲۰ درصد هم راضی نیستند و دنبال خرید و سود کلان هستند، مگر اینکه به دلیلی در زندگی شخصی به پول نیاز داشته باشند و رو به فروش بیاورند. فعلا اینها مانند قبل در بورس از شبه‌دولتی‌ها یا بازیگران سنتی بورس نمی‌ترسند. البته یک واقعیت هم وجود دارد که چند نفری درحال‌حاضر برخی از سهام برخی شرکت‌ها را به دست گرفته‌اند و با جنگ تبلیغاتی ارزش برخی سهام‌ها را که باارزش نیست، بالا می‌برند. دولت هم فعلا کاری به آنها ندارد، چون معتقد است باز آثار تورمی بورس روی سفره‌های مردم کمتر از سایر بازارهاست.

ترفند ورشکسته‌ها برای ساختن سودهای موهومی

در کنار وضعیت رشدی تعجب‌برانگیز بورس در کلیت اقتصاد رکودی، وضعیت ترکیبی ارزش سهام شرکت‌ها هم جای تأمل دارد. شرکت‌هایی که طبق صورت‌حساب‌های مالیشان زیان‌ده هستند، اما در این روزها ارزش سهامشان روبه‌رشد و چشمگیر است. به تعبیر دیگر بیش از آنکه سهام‌های شرکت‌های بزرگ مانند فلزات اساسی رشد داشته باشد، رشدهای نجومی ارزش سهام‌ها مربوط به شرکت‌هایی است که ورشکسته هستند. چند نمونه از آن را پیش‌تر علی‌اکبر مازار، مثال زده بود. یک شرکت که شش ماه است تعطیل بوده و به قیمت ۲۰ میلیارد تومان فروخته شده، حالا ارزش آن در بورس در این مدت به سه‌هزارو ۸۰۰ میلیاردتومان رسیده یا شرکت دیگری که طبق حسابرسی‌های صورت‌گرفته مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت بوده و ورشکسته اعلام شده و حالا سهام آن از ۶۰ تومان به شش هزار تومان رسیده است. چند نمونه دیگر از این شرکت‌ها در بورس در حال رشدگیری سهام هستند، اینها با چه سازوکاری رشد می‌کنند؟

بابایی توضیح می‌دهد: حدود ۴۰ تا ۵۰ شرکت هستند که هم زیان‌ده هستند و هم ارزش سهام آنها بالا رفته، مانند شرکت‌های سایپا، پلی‌اکریلیک، بانک صادرات و از این دست. اینها گرچه از لحاظ سودی ورشکسته هستند، اما از لحاظ دارایی نه. آنها سازوکاری را در بورس دنبال می‌کنند؛ دارایی‌هایشان را به یکدیگر می‌فروشند؛ برای مثال ارزش دارایی ایران‌خودرو حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان است، اما در بورس ۱۰ هزار میلیارد تومان ارزش دارد. این درست است که زیان‌ده است، اما دارایی‌های دارد که به شرکت‌های دیگر می‌فروشد، راه آن هم تجدید ارزیابی دارایی است یا سهام زیرمجموعه خود را به یکدیگر می‌فروشند و از این طریق سود به‌اصطلاح موهومی می‌سازند. پس این شرکت‌ها گرچه زیان‌ده هستند اما می‌توانند با سودسازی ارزش سهم‌هایشان را در بورس بالا ببرند؛ یعنی در واقع این شرکت‌ها دارایی‌هایشان را به هم پاس می‌دهند و با این معاملاتی که خیلی از آنها معاف از مالیات هستند، دارایی آنها از شرکت خارج نمی‌شود، به سهام‌دار هم پرداخت نمی‌شود، تقسیم سود فروش هم ندارند و فقط دارایی را بین خودشان جابه‌جا می‌کنند. اینها خودشان بورس‌بازهای قهاری هستند. بانک‌ها هم از راه تسعیر نرخ ارز این کار را انجام می‌دهند، فقط با به‌روزکردن ارزش ارزشان سودسازی می‌کنند و قیمت سهام آنها در بورس بالا می‌رود.

به‌هرحال آمارها به ما می‌گویند اینکه بورس فعلی حبابی است، در آن تردیدی وجود ندارد؛ اما طبق پیش‌بینی بابایی تا چهار ماه آینده به نظر می‌آید به یک میلیون واحد می‌رسد و سودهای تا ۵۰ درصدی به سهام‌داران می‌دهد و بعد از آن ریزش نخواهد داشت؛ اما بعد از آن شاهد ریزش چشمگیری خواهیم بود. اولین گروهی که از آن متضرر می‌شوند، سهام‌داران خرد و همچنین سهام‌دارانی هستند که سهام همین شرکت‌هایی را که سود موهومی ساخته‌اند، خریده‌اند.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب **یاسمین دولتشاهی** فرزند شهرام به شماره شناسنامه ۳۰۵۸ صادره ازکرمانشاه در مقطع کاردانی رشته معماری صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی واحد کرمانشاه مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه به نشانی کرمانشاه-میدان فردوسی-انتهای بلوار فرهیختگان مجتمع دانشگاه ازاد اسلامی امام خمینی-کدپستی ۶۷۱۸۹۹۷۵۵۱ ارسال نماید

فقدان مدرک تحصیلی

مدرک تحصیلی اینجانب **فرناز سادات میر کاظمی** فرزند سید علی اصغر به شماره شناسنامه ۰۰۱۳۳۸۱۲۳۷ صادره از تهران در مقطع کاردانی رشته تربیت بدنی صادره از واحد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب با شماره ثبت۱۴۹۰۲۲۸۰۰۹۴۵ و شماره سریال ۲۴۴۰۲۷۶ و تاریخ تایید ۹۳/۲/۲۰ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد.از یابنده تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب به آدرس:شهرک غرب، بلوار فرحزادی،بلوار دادمان، خیابان درختی،کوچه شهید ثقفی،پلاک ۱۶ارسال نمایید.

گواهی جواز وکالت اینجانب **سیمین اسدزاده طالعی** با کد ملی ۱۳۸۱۷۷۸۷۸۱ و شماره پروانه وکالت ۲۰۹۹۷ صادره از کانون وکلای دادگستری مرکز با محل فعالیت شهر تهران مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR